

تحلیل جنبش جهانی محیط زیست در راستای تأثیر گذاری ایران در تدبیر جهانی

حسن ناصرخاکی^۱

علی مرشدی زاد*

عباس کشاورز شکری^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۹/۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۷/۶

۱۳۳



چکیده

باتوجه به اهمیت روز افزون نقش جهانی جنبش‌های نوین اجتماعی همچون جنبش‌های محیط زیستی، این مقاله به دنبال تحلیل نسبت مؤلفه‌های جنبش‌های محیط زیستی در راستای تأثیر گذاری ایران در عرصه تدبیر جهانی است. باتوجه به تأثیر اساسی رویکردهای ناشی از انقلاب اسلامی در تنظیم سیاست‌های جهانی ایران، پرسش این مقاله بدین صورت طرح شد که مولفه‌های جنبش‌های جهانی زیست محیطی چه نسبتی با مولفه‌های جنبش‌ساز انقلاب اسلامی ایران در عرصه جهانی دارند؟ این مقاله با روش کیفی و با استفاده از تکنیک مقوله‌بندی و قیاس، مولفه‌های جنبش‌ساز انقلاب اسلامی در عرصه جهانی و مولفه‌های جنبش جهانی محیط زیست را استخراج و میان آنها نسبت‌سنجی کرده است. بدین‌منظور بر اساس نظرات «آلن تورن» به مطالعه تطبیقی سه مولفه: هویت، هدف و رقیب پرداخته شد. یافته‌های این تحقیق حاکی از آن است که «انقلاب اسلامی» هویت، هدف و رقیبی فراتر از «جنبش محیط زیست» دارد، اما با این وجود نه تنها تضادی میان مولفه‌های آنها وجود ندارد بلکه زمینه‌هایی برای همسویی و هم‌افزایی میان انقلاب اسلامی و جنبش‌های محیط زیستی برقرار است. بنابراین امکان بهره‌گیری از جنبش‌های محیط زیستی برای حضور ایران در عرصه تدبیر جهانی وجود دارد. لذا مناسب است سیاست‌گذاران در تنظیم سیاست‌های جهانی ایران، نقش و ظرفیت این جنبش را برای حضور ایران در عرصه تدبیر جهانی لحاظ نمایند.

واژگان کلیدی: جنبش‌های نوین اجتماعی، جنبش محیط زیست، تدبیر جهانی، انقلاب اسلامی

۱. دانشجوی دکتری مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی، دانشگاه شاهد

۲. دانشیار گروه علوم سیاسی و مطالعات انقلاب اسلامی، دانشگاه شاهد

* نویسنده مسئول: alimorshedizad@yahoo.com

مقدمه

تنظیم سیاست‌های مناسب برای نقش‌آفرینی ایران در عرصه تدبیر جهانی نیازمند توجه به چشم‌اندازها، مبانی ارزشی، محذورات و مقهورات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایران در عرصه جهانی است. پیروزی انقلاب اسلامی در ایران تأثیر به‌سزایی در تمامی این موارد داشته و متأثر از انقلاب اسلامی از میان وضعیت‌های مختلف قابل تصور برای ترسیم وضعیت جهان، تصویر خاص «استکبار جهانی در برابر استضعاف جهانی» برجسته‌شده و مبتنی بر آن راهبردهایی برای حضور ایران در عرصه جهانی اتخاذ شده‌است. به نظر می‌رسد در میان راهبردها و اقدامات اتخاذشده‌ی ایران در عرصه سیاست جهانی، تمرکز بیشتر بر نقش نهادهای حکومتی و چارچوب‌های رسمی بوده و توجه کمتری به نقش فرد (کنشگر) در عرصه جهانی و نقش جنبش‌های اجتماعی جهانی (GSM) شده‌است. این مقاله با هدف طرح زمینه‌هایی برای حضور ایران در ورای سطح نهادهای دولتی و حکومتی در عرصه تدبیر جهانی استفاده از ظرفیت جنبش‌های اجتماعی جهانی همچون جنبش محیط زیست را مورد توجه قرار داده است. مسئله‌ای که در این مقاله مورد توجه است امکان بهره‌گیری از جنبش‌های محیط زیستی برای تأثیرگذاری ایران در عرصه تدبیر جهانی است. بر این اساس مقاله به دنبال پاسخ به این سوال اساسی است که در راستای تأثیرگذاری ایران در عرصه تدبیر جهانی، مولفه‌های جنبش جهانی محیط زیست چه نسبتی با مولفه‌های جنبش‌ساز انقلاب اسلامی ایران در عرصه جهانی دارند؟ فرضیه این مقاله نیز آن است که مولفه‌های جنبش جهانی محیط زیست تضادی با مولفه‌های جنبش‌ساز انقلاب اسلامی در عرصه جهانی نداشته و امکان بهره‌گیری از جنبش محیط زیست برای تأثیرگذاری ایران در عرصه تدبیر جهانی وجود دارد.

لازم به ذکر است که سنجش نسبت ایران و یا به‌طور خاص در اینجا انقلاب اسلامی ایران و جنبش محیط زیست در عرصه جهانی از منظرهای مختلفی قابل انجام است. از یک سو به انقلاب اسلامی از منظر عینیت تاریخی آن می‌توان توجه داشت و لذا به بررسی اقدامات و سیاست‌های تنظیم‌شده در ایران در طی چند دهه پس از پیروزی آن

در زمینه محیط زیست توجه نمود. از سویی دیگر به بررسی دیدگاه گفتمان‌های مؤثر در انقلاب و یا شکل گرفته پس از این انقلاب پیرامون جنبش محیط زیست می‌توان پرداخت و یا از منظر حقوق بین‌الملل به بررسی کنوانسیون‌ها، معاهدات بین‌المللی و تعهدات ایران در عرصه زیست محیطی و نقش و تأثیر آنها در سیاست جهانی ایران می‌توان پرداخت. بی‌شک نگاهی جامع پیرامون جنبش محیط زیست و نقش آن در تأثیرگذاری ایران در تدبیر جهانی نیازمند تمامی این بررسی‌ها است. با وجود این مقاله حاضر از منظری میان رشته‌ای (جامعه‌شناسی و روابط بین‌الملل) به این موضوع خواهد نگرست و به ظرفیت‌سنجی و نسبت‌سنجی میان انقلاب اسلامی به عنوان جنبشی که تأثیر اساسی در سیاست جهانی ایران داشته و توان بالقوه جنبش‌سازی در عرصه جهانی را دارد و جنبش جهانی محیط زیست که نقشی مهم در عرصه تدبیر جهانی ایفا می‌کند، می‌پردازد.

این مقاله با روشی کیفی و با استخراج و کدگذاری مولفه‌های جنبش‌ساز انقلاب اسلامی و جنبش محیط زیست، از طریق تکنیک مقوله‌بندی و قیاس، میان آنها نسبت‌سنجی خواهد کرد. در این مقاله بر مؤلفه‌های بنیادین این دو جنبش تمرکز خواهد شد و با استخراج این مؤلفه‌ها به سنجش نسبت آنها با یکدیگر و امکان بهره‌گیری از آن‌ها برای تأثیرگذاری ایران در عرصه تدبیر جهانی پرداخته می‌شود. بدیهی است که اگر نتیجه چنین باشد که نسبت میان این دو یک «تضاد یا غیریت» کامل است آنگاه هیچ زمینه‌ای برای تعامل میان آنها وجود نداشته و می‌بایست به طرد کامل جنبش جهانی محیط زیست پرداخت. اما اگر نسبت میان این دو «تفاوت» باشد و نه «تضاد»، آنگاه می‌توان به نقاط اشتراک این دو و زمینه‌های همسویی میان آنها متمرکز شد و از این زمینه‌ها برای تأثیرگذاری ایران در عرصه جهانی استفاده نمود.

۱. رهیافت نظری

ایجاد جامعه شبکه‌ای، شکل‌گیری حوزه‌های موضوعی جهانگیر، شکل‌گیری بین‌الملل‌گرایی‌های ارتباطی و درهم‌آمیختگی سپهرهای سیاسی و غیر سیاسی حیات اجتماعی همگی منجر به افزایش نقش جنبش‌های نوین اجتماعی در سپهر سیاسی،

فرهنگی و اجتماعی در عرصه جهانی گردیده‌اند (مشیرزاده، ۱۳۸۱: ۱۷۶-۱۸۱). یکی دیگر از عوامل افزایش اهمیت جنبش‌های نوین اجتماعی حرکت نظام بین‌الملل به سمت نظام «فردی-جهانی شده» (سیف‌زاده، ۱۳۸۴: ۱۳۵-۱۳۹) و مفهوم «تدبیر جهانی امور» است. در نظام متحول جهانی مفهوم نظم در حال تغییر بوده و مفهوم روابط بین‌الملل «فردی-جهانی» شده نشانگر افزایش نقش «فرد» و «کنشگر» در تحولات جهانی است. در نتیجه این تحول معنایی، مفاهیم دولت ملی، حکومت، امنیت، قدرت و... نیز به شدت تحول یافته‌اند. لذا دولت ملی حصار رسوخ‌ناپذیر خود را از دست داده و «فرد» توانمندی دسترسی به سطح جهانی را یافته‌است (سیف‌زاده، ۱۳۷۸: ۲۰۰). بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت که از این پس کنشگر فردی و جنبش‌های نوین اجتماعی که به دنبال پی-گیری حقوق فرهنگی و اجتماعی فرد در عرصه داخلی و فراملی هستند بیش از گذشته در عرصه جهانی نقش‌آفرینی خواهند کرد و این نقش‌آفرینی به ویژه در عرصه تدبیر جهانی امور تاثیرگذار خواهد بود. تدبیر و اداره امور جهانی مفهومی است که به مجموعه فرآیندهای هنجاری، اجتماعی، حقوقی و نهادی اشاره دارد که تعامل میانی جهانی شدن و تجزیه جهان را تنظیم و گاه کنترل می‌کنند (Clark & Edwards, 2004). تفاوت حکومت با تدبیر در این است که در تدبیر ظرفیت انجام امور بدون داشتن صلاحیت حقوقی برای انجام آنها وجود دارد. به طور کلی تدبیر جهانی امور به ساختارهای رسمی و غیر رسمی و ترتیبات باز می‌گردد و به طور ضمنی حاکی از آن دارد که دولت‌ها نمی‌توانند به تنهایی مسایل را مدیریت کنند. ویژگی مهم تدبیر و اداره امور این است که از یک سو آماج قواعد آن را نه فقط دولت‌ها بلکه مجموعه‌ای از کنشگران متعدد تشکیل می‌دهند و از سوی دیگر کنشگران متعددی در فرایند تصمیم‌گیری‌های منتهی به شکل‌گیری و اجرای قواعد آن دخیل هستند (Zurn, 2004: 268). (269) جنبش‌های اجتماعی فراملی و یا جهانی نیز یکی از این کنشگران محسوب می‌شوند که به طرق مستقیم و غیر مستقیم در صدد تاثیرگذاری بر تصمیمات و نیز اجرایی شدن آنها هستند تا از این طریق بتوانند تغییرات مورد نظر خود را ایجاد کنند. رابطه میان جنبش‌های اجتماعی و تدبیر جهانی امور، یکی از حوزه‌هایی است که نشان

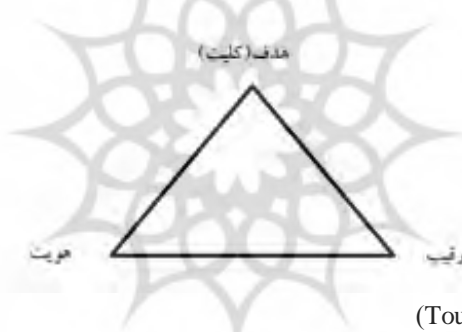
می‌دهد چرا تدبیر جهانی امور باعث شده حرکت به سمت مطالعات چند رشته‌ای تعمیق یابد و در اینجا به طور خاص میان جامعه‌شناسی و روابط بین‌الملل ارتباط برقرار شود (Scholte, 2000). از جمله این جنبش‌ها که در عرصه تدبیر جهانی تأثیرگذار هستند می‌توان به: جنبش‌های محیط زیستی، جنبش «جهانی شدن دیگر»، جنبش زنان، و جنبش‌های ضد جنگ اشاره نمود. مهمترین شاخص این جنبش‌ها، برجسته‌بودن ماهیت فراملی و بعضاً جهانی آنها است. در این جنبش‌ها، هم موضوعات مورد توجه و هم حوزه مداخله فراملی و جهانی هستند ضمن آنکه از اهداف مهم آنها ایجاد تغییرات عمدتاً هویتی و فرهنگی در گستره‌ای جهانی است. ظهور حوزه‌های موضوعی جهانگیر از یک سو به معنای اشتراک موضوعی جنبش‌هایی است که در پاسخ به این حوزه‌های موضوعی شکل می‌گیرند (مانند جنبش محیط زیست یا ضد جهانی شدن) و از این طریق به نوعی هویت مشترک و جهانی را شکل می‌بخشند و از سوی دیگر، می‌تواند زمینه پیوند میان این جنبش‌ها و شکل‌دادن به جنبش‌های جهانی باشد (مشیرزاده، ۱۳۸۱: ۱۷۸؛ ابو، ۱۳۸۵: ۲۹۹-۳۰۰).

برای بررسی جنبش‌های نوین اجتماعی نیازمند نظریه‌ای هستیم که تعریف جامعی از مولفه‌های این جنبش‌ها ارائه داده باشد تا بتوان مبتنی بر این مولفه‌ها به سنجش آنها پرداخت. در تبیین جنبش‌های اجتماعی دو رویکرد اساسی مطرح گشته که عبارتند از: رویکرد آمریکایی یا آبراری و رویکرد اروپایی یا ابرازی. نظریه جنبش نوین اجتماعی که ناشی از رویکرد اروپایی است به دگرگونی‌های صورت گرفته در مبناهای ساختاری منازعه می‌پردازد (دلپورتا و دیانی، ۱۳۹۰: ۱۵) تمایز این دو رویکرد علاوه بر تفاوت در سنت‌های فکری آمریکایی و اروپایی به تنوع موضوعات مورد مطالعه نیز مرتبط هستند. نظریه جنبش نوین اجتماعی در واکنش به تجزیه و تحلیل سنتی جنبش اجتماعی شکل گرفت و نظریه پردازان جنبش اجتماعی جدید، به واسطه مطالعات خود درباره جنبش‌های ضد جنگ، محیط زیست، حقوق مدنی و فمینیست دریافتند که جنبش‌های اجتماعی بر هویت‌سازی، تغییر ساختاری و کنترل اطلاعات تمرکز دارند تا بر تغییر تأثیر بگذارند (فلین، ۱۳۹۶: ۱۴۶). از مهم‌ترین نظریه‌پردازان جنبش‌های نوین اجتماعی می‌توان به: «آلن تورن»، «آلبرتو ملوچی»، «مانوئل کاستلز» و «کلاس اوفه» اشاره نمود. از این میان

آن تورن جایگاه برجسته‌تری دارد، و برای پارادایم معطوف به هویت، وسیع‌ترین چارچوب نظری را ایجاد کرده است (کوهن، ۱۳۸۶: ۴۶). لذا در این تحقیق با محور قرار دادن نظریه آن تورن به بررسی موضوع پرداخته خواهد شد.

تورن معتقد است که جنبش‌های اجتماعی رخدادهایی استثنایی و نمایشی نیستند و همیشه در قلب زندگی اجتماعی جریان دارند. به تعبیر او جنبش‌ها «کنش جمعی کنشگران در عالی‌ترین سطح-طبقه کنشگران- می‌باشند که بر سر کنترل اجتماعی تاریخ‌مندی، یعنی کنترل جهت‌گیری‌های فرهنگی عمده که روابط محیطی یک جامعه را به صورتی هنجارمند سامان‌دهی می‌کند، به نبرد می‌پردازند» (Touraine, 1981:26). تورن معتقد است که جنبش اجتماعی، ترکیبی از مؤلفه‌های هویت، رقیب (مخالف) و هدف (کلیت) می‌باشند. شکل (۱)

شکل ۱: اصول و مؤلفه‌های جنبش‌های اجتماعی



منبع: (Touraine, 1981:81)

بر اساس مؤلفه هویت، یک جنبش ابتدا باید دارای هویت باشد یعنی مشخص باشد که معرف چه کسانی است؟ مدافع و محافظ چه منافع است؟ کنشگر هویت خود را با ارزش‌ها تعریف می‌کند. بر اساس مؤلفه رقیب، جنبش باید مشخص کند که در برابر چه مانع و یا نیرویی قرار دارد و حریف او کیست؟ مؤلفه هدف، بیانگر زمینه مشترک (کلیت) پیرامون ارزش‌های برتر، ایده‌های بزرگ و حقایق جهانی است. تورن معتقد است که زمینه مشترکی که هدف جنبش‌های اجتماعی کنترل آن می‌باشد عبارت است از جهت‌گیری‌ها،

1. Historicity
2. Identity
3. Opposition
4. Totality

گرایش‌ها و یا الگوهای عمده فرهنگی. یعنی کنترل جهت‌گیری‌هایی که به وسیله آنها روابط ما با محیط پیرامونی به طور هنجارین سازمان می‌یابد. (Touraine, 1985: 760) به نظر تورن جمعی که ظرفیت بالایی برای تأثیرگذاری بر روی خود و تغییر خود دارد ضرورتاً به دو دسته رهبران یا گروه‌های حاکم، که رستگاری، الگوهای لذت‌مقبول، ایده‌های انتزاعی و اصول اخلاقی را تحمیل می‌کنند و همزمان منافع متعلق به خود را برابر با این اصول عام می‌دانند و «مردم» یا «توده‌ها» تقسیم می‌شوند که هم مطیع کنترل ارزش‌های فرهنگی به وسیله گروه حاکم و هم مشتاق حذف این سلطه هستند (تورن، ۱۳۸۶: ۷۶). لذا در هر جامعه مشخصی یک تعارض اجتماعی اصلی یا مرکزی وجود دارد که عبارت است از تعارض گروه حاکم (سلطه‌گر) با گروه محکوم (تحت سلطه) (تورن، ۱۳۸۶: ۹۸).

به نظر او جنبش‌های نوین اجتماعی در واقع جنبش‌های فرهنگی هستند که در آنها دگرگونی ارزش‌های فرهنگی نقش اصلی را ایفا می‌کند (تورن، ۱۳۸۶: ۱۰۱). در این میان تورن جنبش محیط زیست را جزو مهم‌ترین جنبش‌های نوین اجتماعی می‌داند و معتقد است که «جنبش ضد هسته‌ای» که در قلب جنبش محیط زیست قرار دارد به راحتی قالبی را فراهم می‌آورد که مبارزات اصلی که بعدها به واسطه تاریخ به حرکت در خواهند آمد، در آن قرار می‌گیرند. به نظر تورن جنبش محیط زیست نماد یک تصمیم «خود-مدیریتی» بر ضد مدیریت تکنوکراتیک، یعنی یک پروژه اجتماعی علیه آن بوده (Touraine, 1981: 12) و محیط زیست‌گرایان به دنبال حل تضاد مدرنیته اقتصادی و اصل تعادل طبیعی به عنوان عاملی که زندگی را بر سطح کره زمین ممکن ساخته و برقراری پیوند میان طبیعت و فرهنگ هستند (تورن، ۱۳۹۶: ۳۰۵).

باتوجه به نظرات مطرح شده می‌توان گفت که باتوجه به حرکت نظام بین‌الملل به سمت نظام «فردی-جهانی شده» کنشگران فردی و جنبش‌های نوین اجتماعی بیش از گذشته در عرصه تدبیر جهانی نقش‌آفرینی خواهند کرد. جنبش‌های نوین اجتماعی در واقع به دنبال مقاومت در برابر سلطه و ابراز هویت گروه‌های تحت سلطه در سطح جهانی هستند. این جنبش‌ها مبتنی بر حوزه‌های موضوعی مانند محیط زیست، زنان،

صلح و... نوعی هویت مشترک و جهانی را شکل بخشیده و از به هم پیوستگی ناشی از جهانی شدن و شبکه‌ای شدن استفاده نموده و آرمان‌ها، روش‌های کار، تسهیلات عملی برای جنبش‌ها و... را در سطحی بسیار وسیع مبادله می‌کنند. این جنبش‌ها به دنبال ایجاد تغییرات عمدتاً هویتی و فرهنگی در گستره‌ای جهانی بوده و بر این اساس در عرصه تدبیر جهانی نقش‌آفرینی می‌کنند. با توجه به مبانی نظری فوق جنبش‌های نوین اجتماعی سه مولفه اصلی شامل: هویت، هدف و رقیب دارند که توجه به این مولفه‌ها برای فهم و نسبت‌سنجی آنها با سایر جنبش‌ها بسیار حایز اهمیت است. بر این اساس با این پیش فرض که انقلاب اسلامی جنبشی است که به انقلابی در ایران (با ابعاد جهانی) منجر شده می‌توان گفت که دارای سه مولفه جنبش‌ساز با قابلیت جنبش‌سازی در عرصه جهانی است. از سویی دیگر جنبش جهانی محیط زیست نیز به مثابه جنبش نوین اجتماعی دارای مولفه‌های جنبشی با تاثیرگذاری فراوان در عرصه جهانی است. لذا برای سنجش نسبت جنبش محیط زیست با انقلاب اسلامی ایران می‌بایست بر سه مولفه: هویت، هدف و رقیب متمرکز شد و مبتنی بر هر یک از این مولفه‌ها امکان بهره‌گیری از جنبش محیط زیست برای تاثیرگذاری ایران در عرصه جهانی را سنجید.

۲. ادبیات پژوهش

بررسی جنبش محیط زیست به‌عنوان یک جنبش نوین جهانی و سنجش نسبت آن با مؤلفه‌های جنبش‌ساز انقلاب اسلامی و تحلیل امکان بهره‌مندی از آن برای تأثیرگذاری ایران در عرصه تدبیر جهانی موضوع مورد بررسی این مقاله است. با توجه به بررسی صورت گرفته، تحقیقی که از این منظر به موضوع جنبش محیط زیست پرداخته‌باشد یافت نشد با باوجود این برخی آثار به مسایل ایران در پس از انقلاب حول موضوع محیط زیست پرداخته‌اند. در رساله دکتری با عنوان «سیاست انقلاب و محیط‌زیست» مولف به بررسی سیاست‌ها و خط‌مشی‌ها، تصمیم‌های اجرایی و مدیریتی بعد از انقلاب اسلامی و نحوه تاثیرگذاری آنها بر تخریب محیط زیست در ایران می‌پردازد (عبادی، ۱۳۹۷). در رساله دیگری با عنوان «تحول سیاست امنیتی جمهوری اسلامی ایران در حقوق حوزه محیط زیست» مولف به بررسی تحول سیاست امنیتی نظام

جمهوری اسلامی ایران در طول سال‌های پس از انقلاب اسلامی در حوزه محیط زیست با توجه به مفاهیم نوین پرداخته (پیرعباسی، ۱۳۹۸) و در رساله‌ای با عنوان «نسبت محیط زیست، دولت و شهروندی، رویکرد تقنینی نظام جمهوری اسلامی ایران» مولف به بررسی نسبت محیط زیست، دولت و شهروندی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و در قوانین و مقررات عادی پرداخته است (لسانی، ۱۳۹۵). علاوه بر این در زمینه سنجش نسبت نگاه اسلامی و غربی پیرامون محیط زیست نیز مقالات متعددی منتشر شده‌اند که برخی از این مقالات عبارتند از: مقاله «مقایسه تحلیلی ارزشهای زیست‌محیطی جهان اسلام و غرب؛ تحلیل ثانویه داده‌های پیمایش ارزشهای جهانی (WVS)» (صالحی، حمایت‌خواه جهرمی، ۱۳۹۳) که به بررسی جایگاه ارزش‌های زیست‌محیطی در کشورهای مسلمان و غیرمسلمان با رویکرد تطبیقی پرداخته است. همچنین مقاله «حق بر محیط زیست از منظر حقوق بشر بین‌المللی و اسلام» (قدیر، ۱۳۹۴) به تطبیق حقوقی «حق بر محیط زیست» از منظر اسلام و حقوق بشر غربی اشاره داشته است.

باتوجه به ادبیات بررسی شده به نظر می‌رسد که مقاله حاضر، عرصه جدیدی را برای بررسی سیاست جهانی و نقش‌آفرینی ایران در تدبیر جهانی می‌گشاید و ضرورت دارد که این موضوع مورد توجه بیشتری قرار گرفته و با انجام تحقیقات بیشتر در این زمینه به غنای ادبیات آن افزوده گردد.

۳. جایگاه و نقش جنبش‌های محیط زیستی به مثابه جنبش نوین اجتماعی در عرصه جهانی
بحران محیط زیست یکی از مهم‌ترین بحران‌های جهانی به‌شمار می‌رود علائم این بحران هم اکنون به صورت آلودگی شدید آب و خاک، کاهش تنوع زیستی، کاهش منابع طبیعی، مراتع و زمین‌های قابل کشت، تغییرات اقلیمی، سیل‌های ویرانگر و رانش زمین، به گونه‌ای کاملاً محسوس نمایان شده است که همگان را به چاره‌اندیشی فرا می‌خواند (نقوی، ۱۳۸۶: ۱۱۰). جنبش‌های محیط زیستی حضور فعالی در عرصه جهانی دارند به طوری که گفته می‌شود بدون جنبش‌های محیط زیستی هیچ کنفرانس سطح بالایی در سازمان ملل در خصوص گرم شدن زمین، کنترل جمعیت، هیچ چارچوب قانون‌گذاری سبز مرتبط با سهمیه‌بندی آلودگی صنعتی، یا محدودیت در خصوص مواد غذایی

اصلاح شده ژنتیکی به وجود نمی‌آمد. (Doyle, 2005: 2) در میان جنبش‌های نوین اجتماعی نیز جنبش‌های محیط زیستی جایگاه برجسته‌ای دارند به گونه‌ای که «اگر بنا باشد جنبش‌های اجتماعی را براساس نیروی مولد تاریخی آنها، یعنی تاثیر آنها بر ارزش‌های فرهنگی نهادهای جامعه ارزیابی کنیم، جنبش محیط زیست ربع پایانی قرن بیستم جایگاه ممتازی در چشم‌انداز تاریخ کسب می‌کند» (کاستلز، ۱۳۸۹: ۱۴۷).

جنبش‌های محیط زیستی از دهه ۶۰ و ۷۰ میلادی در اروپا و امریکای شمالی و برخی از کشورهای جهان سوم به ظهور رسیدند و ابتدا بر حفظ و مراقبت از طبیعت و سپس بر موضوعات گوناگونی همچون زیرساخت‌های حمل و نقل، حقوق حیوانات، تغییرات آب و هوایی و مخالفت با انرژی هسته‌ای تأکید داشته‌اند. (Giugni, Grasso & Maria, 2015: 338) علاوه بر این موارد با انقلاب بیوتکنولوژیک و همچنین نانو تکنولوژی مسایل زیست محیطی بیش از پیش حایز اهمیت شده و مجادله اخلاقی و دینی با انقلاب بیوتکنولوژیک ابعاد جدید برای جنبش‌های زیست محیطی ایجاد کرده است (کاستلز، ۱۳۸۴: ۷۹-۸۲). از دیگر عوامل مهم افزایش جایگاه جنبش‌های محیط زیستی، موضوع جهانی شدن و انتقال مسایل حایز اهمیت زیست محیطی از عرصه محلی به عرصه جهانی است. به طور تاریخی در گذشته اکثر مشکلات محیط زیستی محلی بودند و بنابراین نیازی به توجه بین‌المللی نداشتند. اما به مرور بعضی از انواع آلودگی‌ها که مدت‌ها محلی تلقی می‌شدند به‌عنوان مسائلی درک می‌شوند که فراتر از مرزهای کشورها را در بر می‌گیرند و نیازمند همکاری بین‌المللی هستند. (Esty, Mendelson, 1998: 225) اهمیت و نقش‌آفرینی جنبش‌های زیست محیطی فراملی در عرصه تدبیر جهانی عمدتاً ناشی از قدرت معنایی آنها و توانایی آنها در چارچوب‌بندی و توفیقشان در اقناع بوده (مشیرزاده، ۱۳۹۲: ۲۰۱) است. از دیگر عوامل افزایش جایگاه جنبش‌های محیط زیستی در عرصه جهانی برقراری ارتباط آن «با حقوق بشر» است (نقوی، ۱۳۸۶: ۱۱۰). چرا که از آغاز دهه‌ی ۱۹۷۰ با تعریفی که از «حق محیط زیست سالم» وجود داشته است، این حق به عنوان یک حق اساسی در مجموعه‌ی جدیدی از حقوق بشر

۱. برای مطالعه در مورد نحوه تبدیل شدن جنبش محیط زیستی از یک جنبش محلی به یک جنبش جهانی رجوع شود به: Rootes, Christopher, (1999), Environmental Movements, Local, National and Global, Routledge.

تحت عنوان «حقوق نسل سوم» مورد توجه واقع شده است (جمالی، ۱۳۸۹: ۱۲۱-۱۲۲). تورن اهمیت روز افزون جنبش محیط زیست را در ارتباط با تحول در نحوه نگرش به انسان و جهانی شدن مورد توجه قرار می دهد. به نظر تورن بر پایه عادت مرسوم، ریشه تعارض های اجتماعی در درون روابط تولید دیده می شد. اما امروزه ریشه این تضادها در سطح جهانی قرارداشته و مقاومتی را در راستای دفاع از امر محلی و حمله امر جهانی بر انگیخته است (تورن، ۱۳۹۶: ۱۰۱).

از سویی دیگر امروزه به تدریج جنبش محیط زیست از مباحث اکولوژی به مباحث فرهنگی همچون عدالت محیط زیستی، رابطه انسان با محیط، حق انسان بر طبیعت و حق طبیعت بر انسان کشیده شده است. برجسته شدن نگاه فرهنگی به عرصه محیط زیستی به حدی افزایش یافته است که برخی اساساً جنبش محیط زیست را یک جنبش فرهنگی می دانند. بر این اساس ردیابی ریشه های تاریخی رابطه انسان با محیط، بررسی مفاهیم کلیدی مانند محیط انسانی، محیط غیر انسانی، و طبیعت و رابطه این مفاهیم با هم، استفاده های ایدئولوژیکی از محیط زیست، نحوه نگرش برخی متفکران مهم پیرامون محیط زیست، و طرح کلی «سبز کردن» نظریه های اجتماعی جدید و توسعه «نظریه اجتماعی سبز» در نظریه های اجتماعی مهم شدند (Barry, 2007:1-2) کاستلز نیز اساساً معتقد است که جنبش محیط زیستی و سبز واکنشی زیست شناختی در برابر چیزی نیست: «بلکه یک جنبش فرهنگی است. این جنبش نتیجه نقد مدلی از تمدن سازی است که رابطه ما با طبیعت را در مدل رشد اقتصادی و توسعه تکنولوژیک خود نمی گنجانند» (کاستلز، ۱۳۸۴: ۹۵). از این نظر، جنبش سبز در تعارض با اولویت دادن به توسعه نیروهای مولد بوده و کیفیت زندگی را در برابر کمیت کالاها قرار می دهد. علاوه بر این به نظر کاستلز این جنبش «جنبشی مبتنی بر علم نیز هست. چون از معرفت فزاینده ما درباره اکوسیستم ها برای پیش بینی عواقب کنش انسان، و پیشگیری از پیامدهای نامطلوب استفاده می کند» (کاستلز، ۱۳۸۴: ۹۵). بر این اساس جنبش محیط زیست پردامنه ای که از اواخر دهه ۱۹۶۰ در اکثر نقاط جهان پدید آمد تا حد زیادی ریشه اصلی تحول چشمگیر نحوه اندیشیدن ما درباره رابطه بین اقتصاد، جامعه و طبیعت است و از

1. Greening
2. Green Social Theory



همین روی نطفه‌گذار فرهنگ نوینی است (کاستلز، ۱۳۸۹: ۱۴۸). به نظر کاستلز بوم-شناسان از طریق مبارزه‌های بنیادین موجد آفرینش هویت نوینی می‌شوند، هویتی زیست‌شناختی و فرهنگی که نوع بشر را عنصری از طبیعت می‌داند (کاستلز، ۱۳۸۹: ۱۶۵). این هویت زیست‌شناختی-جامعه‌شناختی به معنای نفی فرهنگ‌های تاریخی نیست. این هویت، هویتی جهانی است که برای تمامی انسانها، صرف نظر از تعلقات اجتماعی، تاریخی یا جنسی و یا صرف نظر از ایمان دینی مطرح می‌شود. محیط‌زیست‌گرایان برای فرهنگ‌های قومی احترام قائل‌اند و اصالت فرهنگی سنت‌های متعدد را قبول دارند. اما دشمن واقعی آنها ملی‌گرایی دولتی است. چرا که دولت ملی وحدت نوع بشر و همچنین رابطه متقابل بین مناطق را می‌گسلد و اشتراک سهم را در زیست‌بوم جهانی تضعیف می‌کند. به این ترتیب جنبش محیط‌زیست یک جنبش نوین یا یک جنبش فرهنگی جهانی است که مبین نگاه فرهنگی جدیدی به طبیعت و منتقد مدل تمدن‌سازی اقتصادگرا و تکنولوژیک است.

۴. مؤلفه‌های جنبش‌های محیط‌زیستی و انقلاب اسلامی

برای بررسی نسبت انقلاب اسلامی و جنبش‌های محیط‌زیستی در عرصه جهانی ابتدا لازم است مؤلفه‌های جنبشی آنها جداگانه استخراج شوند لذا با استفاده از تکنیک مقوله-بندی و کدگذاری این مؤلفه‌ها استخراج شده و سپس مورد مقایسه و نسبت‌سنجی قرار می‌گیرند.

۴-۱. مؤلفه‌های جنبش‌های محیط‌زیستی

جنبش‌های محیط‌زیستی دارای جهت‌گیری‌های سیاسی گوناگون و خاستگاه‌های اجتماعی مختلفی هستند. اما این اختلافات بیشتر تاکتیکی و بر سر اولویت‌ها است، نه درباره خط مشی اساسی دفاع از محیط‌زیست بر پایه ارزش‌های نوین انسانی (نقوی، ۱۳۸۶: ۱۱۰). «صندوق جهانی حیات وحش»، «دوستان زمین» و «صلح سبز» بخشی از جنبش‌های زیست محیطی هستند که دارای چارچوبی مشترک در مورد سوء استفاده از قدرت به وسیله شرکتها و سیاست‌های نامناسب حکومتها و در نتیجه پدید-

آوردن مشکلات زیست محیطی و اجتماعی هستند و در بسیاری از صحنه‌های مبارزه فعال هستند. به منظور استخراج مؤلفه‌های جنبش محیط زیستی در ادامه به شرح برخی از این جنبش‌ها پرداخته می‌شود تا مستندات مناسب برای استخراج این مؤلفه‌ها فراهم شود.

۱-۱-۴. صلح سبز

از میان جنبش‌های محیط زیستی، «صلح سبز» یکی از مهم‌ترین جنبش‌های دارای ساختار جهانی است. صلح سبز هم زمان یک سازمان بسیار متمرکز و یک شبکه جهانی نامتمرکز است. دوایری که این سازمان در ۳۰ کشور جهان دارد عملیات جهانی آن را هماهنگ می‌کنند و حمایت و کمک‌های مالی برای فعالیت‌های ملی و محلی سازمان را فراهم می‌آورند. اما اغلب اقدامات با توجه به تاثیرات جهانی به انجام می‌رسد (کاستلز، ۱۳۸۹: ۱۵۷). صلح سبز یک سازمان مبارزاتی مستقل است که از تقابل صلح‌آمیز و خلاقانه برای افشای مشکلات جهانی محیط زیست استفاده می‌کند و راه-حل‌هایی را برای آینده‌ای سبز و صلح‌آمیز ارائه می‌دهد. (Greenpeace, Our values, 2019) صلح سبز معتقد است که: «این زمین شکننده سزاوار یک صدا است. به راه‌حل‌ها نیاز دارد. به تغییر نیاز دارد. به عمل نیاز دارد.» (Greenpeace, Who we are, 2019) طرفداران صلح سبز که موسوم به «جنگجویان رنگین کمان» هستند معتقدند که: «خوش‌بینی نوعی شجاعت است. و با یک میلیارد کنش شجاعانه فردا می‌تواند روشن‌تر شود. برای رسیدن به این هدف ما شجاعت را مدلل می‌کنیم، با شجاعت قهرمان می‌شویم، داستان‌هایی از اقدامات شجاعانه را توسط حامیان و هم‌پیمانان خود به اشتراک می‌گذاریم، ما مردم را از مناطق آسایش خود دعوت می‌کنیم تا با ما، به صورت جداگانه در زندگی روزمره خود، و در اجتماع با دیگرانی که تعهد ما را نسبت به دنیای بهتری به اشتراک می‌گذارند، شجاعانه عمل کنند. آینده‌ای سبز و صلح‌آمیز خواست ماست.» (Greenpeace, Our vision, 2019) صلح سبز هدف خود را چنین تعریف نموده است: «هدف ما اطمینان از توانایی زمین در پرورش زندگی با همه تنوع آن است.» (Greenpeace, Our Mission, 2019)

صلح سبز الگویی از توسعه را دشمن خود می‌داند که به پیامدهای توسعه برای زندگی در کره زمین توجه نمی‌کند. بر همین اساس تمام امکانات را به کار می‌گیرد تا اصل حفاظت از محیط زیست را به عنوان اصلی اولی که همه سیاست‌ها و فعالیت‌ها باید تابع آن باشند تقویت کند. طرفداران صلح سبز به جهت اهمیت رسالتی که دارند وارد مناقشه با دیگر گروه‌های محیط زیست‌گرا نمی‌شوند. آنها سرسختانه بین‌الملل‌گرا هستند و دولت ملی را مانع اصلی مهار توسعه مخرب و زیانبار می‌دانند (کاستلز، ۱۳۸۹: ۱۵۷-۱۵۵).

۲-۱-۴. جنبش‌های محیط زیستی «پادفرهنگ»

جنبش‌هایی مثل: «اول زمین!»، «کلانتران دریا»، «نهضت آزادی حیوانات» و «اکوفمینیست‌ها» را می‌توان در محیط زیست‌گرایی پادفرهنگ جای داد. برخی از نیرومندترین پادفرهنگها در جوامع ما به صورت پیروی محض از قوانین طبیعت بیان شده‌اند و از همین روی بر اولویت احترام به طبیعت در مقابل تمامی نهادهای بشری تأکید می‌کنند (کاستلز، ۱۳۸۹: ۱۵۳). به رغم تفاوت این جنبش‌ها همگی این جنبش‌های پادفرهنگ محیط زیستی متأثر از «بوم‌شناسی ژرف» هستند. در بوم‌شناسی ژرف مسایل زیست محیطی در بعد کلان آن و با توجه به ارزش واقعی و ذاتی سیاره ما و کل موجودات آن مورد توجه واقع می‌شود و بر یگانگی و وحدت بین انسان و کل موجودات تأکید می‌شود (طاهرپور، جاویدی، باقری، نقی‌زاده، ۱۳۹۵: ۶۱). تفاوت نگاه اکولوژی ژرف با جهان‌بینی غالب غرب در جدول (۲) به اختصار نشان داده شده‌است.

1. Counter- cultures

پادفرهنگ را می‌توان چنین تعریف کرد: «کوشش عمدی برای زندگی بر اساس هنجارهای متفاوت و تاحدی متناقض با هنجارهای مورد حمایت نهادهای جامعه، و همچنین تعارض با این نهادها بر سر اصول و عقاید بدیل» (کاستلز، ۱۳۸۹: ۱۴۹)

2. Deep ecology

جدول شماره ۲. مقایسه جهان‌بینی غالب غربی^۱ و اکولوژی ژرف پیرامون محیط زیست

جهان‌بینی غالب غربی	اکولوژی ژرف
سلطه بر طبیعت	هماهنگی با طبیعت
طبیعت به عنوان منبع	طبیعت دارای ارزش ذاتی
ضرورت رشد اقتصادی برای افزایش جمعیت	(استفاده از طبیعت) صرفاً در حد نیازهای اساسی
نامحدود تلقی کردن منابع	محدودیت منابع زمین
پیشرفت فنی در بالاترین سطح	فناوری مناسب (سازگار با محیط زیست)
مصرف‌گرایی	کاهش مصرف و بازیافت

منبع: (Bishop:1991)

متأثر از اکولوژی ژرف در اواخر دهه ۱۹۷۰ شماری از «اکولوژیست‌های رادیکال»^۲ به رهبری «دیوید فورمن»، جنبش «اول زمین!» را ایجاد کردند. جنبشی که فعالیت اصلی آن نافرمانی از قوانین مدنی و حتی خرابکاری علیه تاسیسات صنعتی زیانبار، حفاری‌ها و دیگر تجاوزها به طبیعت بود.

از دیگر جنبش‌های پادفرهنگ محیط زیستی می‌توان به «اکوفمینیسم» اشاره کرد. اکوفمینیسم جنبشی است که در اواخر دهه ۱۹۷۰ توسعه پیدا کرد. این رویکرد به دلیل کارکردهای مشترک دو عنصر بارداری و بازتولید، میان طبیعت و زنان، مدعی پیوندهای ویژه زنان با محیط زیست است. اکوفمینیست‌ها معتقدند طبیعت نیز همچون زنان به واسطه حاکمیت عقلانیت مذکر، مورد ظلم واقع شده‌است و این امر به ارتباط نادرست بین انسان و طبیعت منجر شده‌است (طاهرپور، جاویدی، باقری، نقی‌زاده، ۱۳۹۵: ۶۱). اکوفمینیسم نیز اصل احترام مطلق به طبیعت را همچون سنگ‌بنای رهایی از پدرسالاری و صنعت‌گرایی باور دارد. آنان زنان را قربانی همان خشونت پدرسالارانه‌ای می‌بینند که بر طبیعت تحمیل می‌شود. به بیان «جودیت پلانت»: «زنان عموماً منفعل بوده‌اند، همچنان

1. Dominant Western world-view

۲. این دسته از بوم‌شناسان، اقدامات محیط زیستی و انقلاب فرهنگی را به هم پیوند می‌دهند و دامنه جنبش فراگیر محیط زیستی را از طریق برساختن آرمانشهر زیست محیطی (اکوتوپیا) و وسعت می‌بخشند. (کاستلز، ۱۳۸۹: ۱۵۳)

که طبیعت منفعل بوده است. اما امروز بوم‌شناسی به حمایت از زمین، به حمایتی از «آن دیگر» روابط انسانی-محیطی، سخن می‌گوید. و اکوفمینیسم با سخن گفتن از «آن دیگران» اصل درهم تنیده تمامی صور سلطه و راه‌های مقاومت در برابر تغییر است» (کاستلز، ۱۳۸۹: ۱۵۵).

۳-۱-۴. «جنبش دوستان زمین»، «صندوق جهانی حیات وحش» و «گروه ده»

از دیگر جنبش‌های محیط زیستی می‌توان به «صندوق جهانی حیات وحش» و «جنبش دوستان زمین» اشاره کرد. «صندوق جهانی حیات وحش» با این درک که مشکلات مربوط به محیط زیست اغلب ریشه در موضوعات گسترده‌تر اجتماعی و اقتصادی دارند در شش موضوع جهانی کار می‌کند: جنگل‌ها، آب شیرین، اقیانوسها و سواحل، گونه‌های مورد تهدید، تغییرات آب و هوایی و سموم. و برای هر یک از آنها اهداف مشخصی دارد. (WWF, 2001:4) صندوق جهانی حیات وحش به آینده کره زمین اهمیت می‌دهد و به دنبال تأسیس آینده‌ای است که در آن بشر در هماهنگی با طبیعت زندگی کند. این سازمان به این دلیل موفق و مشهور شده که حول رویکرد علم‌محور برای حفاظت از طبیعت تأسیس شده است (مشیرزاده، ۱۳۹۲: ۲۰۶). صندوق جهانی حیات وحش در تقریباً صد کشور با حمایت حدود ۵ میلیون نفر در سراسر جهان فعالیت می‌کند (WWF, 2001:4).

جنبش «دوستان زمین» نیز به دنبال داشتن جهانی صلح‌آمیز و پایدار مبتنی بر جوامعی است که زندگی‌شان در تعادل با طبیعت باشد. در این راستا هدف و مأموریت‌های جنبش «دوستان زمین» عبارت است از: توقف و تخریب محیط زیست و فرسایش منابع طبیعی، اطمینان از مشارکت عموم در تصمیم‌سازی‌ها، درگیر شدن در مبارزات پرشور، افزایش آگاهی، بسیج مردم و تأسیس اتحادیه‌هایی با جنبش‌های متنوع، ارتباط با درگیریهای جهانی، ملی و مردمی. (Foi ND)

جنبش «گروه ده» جنبشی است که ابتدا در آمریکا شکل گرفت. در دهه ۱۹۸۰ نهادهایی مثل باشگاه «سی‌یرا»^۱ و «انجمن اودابن»، «صندوق دفاع از محیط زیست» و «مدافعان حیات وحش» در معاهده‌ای به نام «گروه ده» متحد شدند. گروه ده به دنبال

1. Group of Ten
2. Sierra Club

حفظ جلوه‌های مختلف طبیعت وحشی است. دشمنان آنها نیز عبارتند از: توسعه کنترل- نشده و دیوانسالاری‌های غیرمسئولی مثل اداره بازیافت ایالات متحده، که توجهی به حمایت از ذخایر طبیعی ندارد. آنها خود را دوستانان طبیعت معرفی می‌کنند و به وجود چنین احساسی نزد همگان، صرف نظر از تفاوت‌های اجتماعی، توسل می‌جویند. با توجه به توضیحات فوق پیرامون جنبش‌های محیط زیستی در اینجا می‌توان مولفه‌های سه‌گانه (هویت، رقیب و هدف) جنبش‌های محیط زیستی را ارایه نمود. کاستلز مبتنی بر نظرات آلن تورن مولفه‌های جنبش‌های محیط زیستی را در جدول (۳) دسته‌بندی نموده است.

جدول شماره ۳. نوع‌شناسی جنبش‌های محیط زیستی بر اساس مولفه‌های شکل‌دهنده

هویت	رقیب(دشمن)	هدف	مثال
دوستانان طبیعت	توسعه کنترل نشده	طبیعت بکر و وحشی	گروه ده ایالات متحده
اجتماع محلی	آلاینده‌ها	کیفیت زندگی/بهداشت	در حیاط خلوت من نه!
خویش‌نم	صنعتی شدن، فن‌سالاری و پدرسالاری	اکوتوپیا(آرمان بوم) آرمانشهر محیطی	اول زمین! اکوفمینیسم
مبارزان بین‌المللی	توسعه جهانی حفظ اکولوژی	تداوم بقا	صلح سبز
شهروندان ذی‌نفع	دستگاه سیاسی	قدرت متعارض	سیاست سبز ^۲

منبع: (کاستلز، ۱۳۸۹: ۱۴۹)

۱. «در حیاط خلوت من نه!» جنبشی است که ابتدا در ۱۹۷۸ در جریان رسوایی «آبراه لاو» شکل گرفت که در آن زباله‌های شیمیایی و سمی صنایع به آبشار نیاگارا ریخته می‌شد. «لویس گیبز»، صاحبخانه‌ای که از بابت تلاش‌هایش برای سلامتی پسرش و همچنین برای حفظ ارزش خانه‌اش مشهور شد.
۲. «سیاست سبز» در وهله اول، به خودی خود یک جنبش نیست بلکه یک استراتژی معین است؛ یعنی وارد شدن به دنیای سیاست انتخاباتی برای پی‌گیری اهداف محیط زیستی، اما نمای درشت‌ترین نماینده سیاست سبز یعنی «سبزها» به وضوح نشان می‌دهد که این جریان یک سیاست به معنای معمول نیست. این حزب انقلابی‌های کهنه‌کار دهه ۶۰ و فمینیست‌هایی را که با تفکر درباره مردسالاری انقلاب‌های دهه ۶۰ در پی کشف خویش‌نم بودن، و اعضای جوان و تحصیل کرده طبقات متوسط را که به صلح، قدرت هسته‌ای و مسایل محیط زیست، دولت جهانی، آزادی فردی و دموکراسی از پایین علاقه‌مند بودند، گرد هم آورده است. (کاستلز، ۱۳۸۹: ۱۵۷)

اگر مؤلفه‌های گرایش‌های مختلف محیط زیستی که در جدول فوق ارائه شده‌اند را جمع‌بندی نماییم در مجموع می‌توان جدول زیر (۴) را به‌عنوان مؤلفه‌های جنبش جهانی محیط زیست ارائه نمود:

جدول شماره ۴. مؤلفه‌های جنبش جهانی محیط زیست

هویت	هدف	رقیب
مدافعان محیط زیست	حفظ طبیعت و رعایت حقوق محیط زیست	توسعه کنترل نشده و مخرب محیط زیست

۲-۴. مؤلفه‌های جنبش‌ساز انقلاب اسلامی در عرصه جهانی

برای استخراج مؤلفه‌های جنبش‌ساز انقلاب اسلامی در عرصه جهانی، در این تحقیق سه حوزه به‌طور مفصل مورد بررسی قرار گرفته، کدگذاری و مقوله‌بندی شده‌اند: اندیشه‌های رهبر انقلاب (امام خمینی)، شعارهای برهه انقلابی^۱ و قانون اساسی منبعث از انقلاب. با توجه به محدودیت‌های مقاله در اینجا صرفاً نتایج این بررسی در قالب جدول (۵) ارائه شده است.

جدول شماره ۵. مقوله‌بندی هویت، اهداف و رقبای انقلاب اسلامی در عرصه جهانی

مقوله	مفاهیم	جمع‌بندی
هویت	انسانی، اسلامی، مکتبی، ابتدای برپوند امت و امامت	انسانی - اسلامی (فطری)
اهداف جهانی	عدالت، حمایت از مستضعفین جهان، حمایت از مظلومان جهان، حمایت از جنبش‌های آزادی‌بخش، مبارزه با مستکبرین و جهانخواران، صدور اسلام و انقلاب، زمینه‌سازی حکومت جهانی مهدوی، حکومت جهانی مستضعفین، حمایت از جنبش‌های مردمی و اسلامی	تغییر در مناسبات فردی و اجتماعی در عرصه جهانی بر پایه عدالت
رقبای جهانی	مستکبران، جهانخواران بین‌المللی، امپریالیسم جهانی، سرمایه‌داری جهانی، صهیونیسم، بلوک شرق و غرب	مستکبران، امپریالیسم، نظام سلطه و سرمایه‌داری جهانی

۱. برای کدگذاری و مقوله‌بندی شعارهای انقلاب اسلامی، کتاب «جامعه‌شناسی شعارهای انقلاب اسلامی» تألیف دکتر محمدحسین پناهی (پناهی، ۱۳۹۲) مبنای کار قرار گرفته است.

جدول فوق در ضمن تحلیل تناسب هریک از مولفه‌ها با مولفه‌های جنبش محیط زیست به اختصار توضیح داده خواهد شد.

۵. تحلیل تناسب و امکان تأثیرگذاری ایران در عرصه تدبیر جهانی بر اساس مؤلفه‌های جنبشی

برای تحلیل نسبت جنبش‌های محیط زیستی با انقلاب اسلامی در عرصه جهانی می‌بایست به تحلیل نسبت مؤلفه‌های این دو با یکدیگر پرداخت. بدین منظور در جدول زیر (۶) مولفه‌های سه گانه این دو در کنار هم قرار داده شده‌اند.

جدول شماره ۶. مقایسه مولفه‌های جنبش محیط زیست و انقلاب اسلامی

رقیب	هدف	هویت	
مستکبران، امپریالیسم، نظام سلطه و سرمایه‌داری جهانی	تغییر در مناسبات فردی و اجتماعی در عرصه جهانی بر پایه عدالت	انسانی-اسلامی (فطری)	انقلاب اسلامی
توسعه کنترل نشده و مخرب محیط زیست	حفظ طبیعت و رعایت حقوق محیط زیست	مدافعان محیط زیست	جنبش محیط زیست

۱-۵. سنجش تناسب و امکان تأثیرگذاری از منظر مولفه هویت

باتوجه به هویتی که برای انقلاب اسلامی به دست آمده است می‌توان گفت که این انقلاب: انسانی، اسلامی و مکتبی است. مکتبی بودن این انقلاب را می‌توان ناظر به هویت شیعی که ترسیم‌کننده هویت این انقلاب در جهان تشیع است و اسلامی بودن این انقلاب را ترسیم‌گر هویت این انقلاب در عرصه جهان اسلام و سایر موحدان دانست. هرچند مبتنی بر جهان‌شمولی اسلام می‌توان برای این انقلاب هویتی جهانی تعریف نمود با این وجود در این میان بیشتر «انسانی بودن» این انقلاب ترسیم‌گر هویت جهانی آن و ناظر به

تمام انسان‌هایی است که در جهان زندگی می‌کنند. انسانی‌بودن هویت این انقلاب را می‌توان به معنی فطری‌بودن هویت این انقلاب دانست.

برای فهم انسانی‌بودن هویت انقلاب می‌بایست به مفهوم «فطرت» انسانها که مفهوم و هویتی جهان‌شمول است توجه نمود. برای فطرت ویژگی‌هایی بر شمرده‌اند که اغلب از آیه فطرت (روم: ۳۰) و همچنین از برخی آیات و روایات دیگر استخراج شده‌اند مهم‌ترین این ویژگی‌ها را می‌توان فراگیری فطرت در نوع بشر، تغییرناپذیری، بالقوه‌بودن و سپس بالفعل شدن و مقدس‌بودن دانست (رودگر، ۱۳۸۴: ۶۵). در آیه فطرت، این سرشت مختص به گروه یا افراد خاصی دانسته نشده و با استعمال واژه «ناس» این صبغه الهی همگانی معرفی شده است (مصباح، ۱۳۸۰: ۴۴). نکته‌ای که در اینجا حایز اهمیت است رابطه فطرت با امور اجتماعی همچون جنبش‌های اجتماعی و انقلاب است. مهم‌ترین نکته در این زمینه نوع رابطه فرد و جامعه است. با پذیرش این امر که «مسیر انسان را یک مقدار همان فطرت اولیه خود انسان تعیین می‌کند و یک مقدار جامعه» (مطهری، ۱۳۷۴: ۱۵۸) تحقق پدیده‌های اجتماعی و مدخلیت علی کنشگر در آنها، تنها به غرایز حیوانی انسان باز نمی‌گردد، بلکه می‌تواند ریشه در فطریات انسانی کنشگر داشته و از جاذبه‌های معنوی نهفته در سرشت او برخیزد. بر این اساس این گونه نیست که در همه جنبش‌ها و انقلاب‌های اجتماعی، کنشگران به دنبال منافع طبقاتی در حوزه اقتصاد یا قدرت‌طلبی در حوزه سیاست باشند، بلکه نوعی از جنبش‌ها و انقلاب‌ها هستند که برخواسته از «خودآگاهی الهی و فطری» عاملیت‌های انسانی و محصول بیدارشدن فطرت خفته انسان‌ها هستند (جمشیدی، ۱۳۹۰: ۵۶). لذا «انقلاب‌ها صرفاً خصلت اجتماعی محض ندارند، بلکه در سرشت انسان ریشه دارند» (مطهری، ۱۳۸۵: ۲۳) بر همین اساس انقلاب اسلامی، نهضتی انسانی و یا به عبارتی دیگر یک نهضت فطری از تیپ نهضت پیامبران و برخاسته از خودآگاهی یا خداآگاهی است چرا که «یک نهضت اسلامی، نهضت انسان‌گرا به معنی واقعی کلمه است، چون نهضتی است که از فطرت انسان ناشی

۱. انسانی‌بودن هویت انقلاب ایران مفهومی است که توسط رهبر انقلاب مطرح و برجسته شده است. ایشان در چندین مورد به این مفهوم اشاره کرده‌اند از جمله: «نهضتی که در ایران است، یک نهضت انسانی است، که همان نهضت اسلامی است؛ نهضتی اسلامی - انسانی است.» (صحیفه امام، ج: ۴، ۱۲۲)

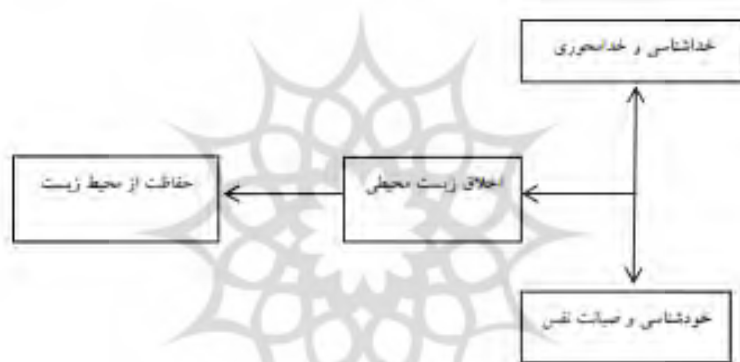
می‌شود» (مطهری، ۱۳۸۷: ۳۲) بر این اساس باید گفت که انسانی بودن انقلاب اسلامی به معنای همراهی این انقلاب با خواسته‌های فطری جهان‌شمول انسان‌ها است. لذا انسانی و یا فطری بودن انقلاب ایران سطح این انقلاب را از انقلابی «در و برای ایران» به انقلابی «برای تحقق خواسته‌های فطری انسان در سطح جهانی» گسترش می‌دهد لذا به طور کلی می‌توان گفت که هویت انقلاب اسلامی با هویت جنبش‌هایی همچون جنبش محیط زیست که به دنبال تحقق خواسته‌های فطری انسانها در سطح جهانی هستند همسو و همراه است.

با وجود این برای سنجش نسبت جنبش‌های محیط زیستی با انقلاب اسلامی می‌بایست به این نکته توجه داشت که کنشگران جنبش جهانی محیط زیست، دارای هویتی مدرن بوده و مدافعان مدرن محیط زیست هستند. با این وجود همانطور که در تبیین جنبش محیط زیست نیز بیان شد این مدافعان مدرن اغلب با توسعه مدرن صورت گرفته در غرب مشکل دارند و لذا تفسیر خاصی از هویت مدرن را قبول دارند. نکته‌ای که در اینجا می‌بایست بدان توجه شود آن است که هویت انسانی اسلامی انقلاب ایران و به عبارتی دیگر هویت فطری انقلاب ایران چه نسبتی با گروه‌هایی که هویت خود را به عنوان مدافعان محیط زیست ابراز می‌کنند برقرار می‌کند؟ به عبارتی دیگر آیا هویت فطری در درون خود تناسبی با دفاع از محیط زیست دارد یا خیر؟ به نظر می‌آید این موضوع که حفظ محیط زیست همسو با هویت انسانی-اسلامی است چندان نیاز به استدلال ندارد و شاید هم بتوان گفت که انسانها فطرتاً دوستدار محیط زیست هستند. با این وجود برای بیان ارتباط حفاظت از محیط زیست و هویت اسلامی، توجه به موضوع «الهیات محیط زیست» و نظریه «خودبوم شناسی» مفید است.

در نظریه خودبوم شناسی، اخلاق زیست محیطی اسلامی بر مبنای خدامحوری و خداشناسی استوار شده و به عنوان رهیافتی برای حفاظت از محیط زیست مطرح شده است. «خودبوم شناسی» در اخلاق زیست محیطی بر مبنای خودشناسی بنا می‌گردد زیرا «کلید بهبود وضعیت اخلاقی انسان، شناخت ماهیت نفس خویش است. به این ترتیب، انسان با شناخت نفس خویش، خود را در برابر بازدارنده‌های درونی خویش خواهد دید

که به وی اجازه انجام هر رفتاری را نمی‌دهند. این موضوع درباره ارتباط انسان با محیط زیست طبیعی نیز صادق است. زیرا انسان بدون شناخت ماهیت واقعی نفس خود، نمی‌تواند توجهی برای اخلاق و بهبود وضعیت اخلاقی خویش در تعامل با محیط زیست دارا باشد. در خودبوم‌شناسی، تلاش برای حفاظت از محیط زیست تنها در صورتی موفقیت‌آمیز است که انسان با خود غیرواقعی مبارزه کند و خود واقعی خویش را پرورش دهد... به این ترتیب دو معیار اخلاق زیست محیطی اسلامی یعنی خدا محوری و خداشناسی در رفتار با طبیعت محقق می‌شوند» (سروستانی، شاه‌ولی، محقق داماد، ۱۳۸۶: ۶۷). (شکل ۲)

شکل شماره ۲. فرآیند خود بوم‌شناسی در اخلاق زیست محیطی



منبع: (سروستانی، شاه‌ولی، محقق داماد، ۱۳۸۶: ۶۷)

بر اساس شکل فوق می‌توان گفت که صیانت از نفس، تعامل مناسب با محیط زیست طبیعی و در نتیجه حفاظت از آن را به دنبال خواهد داشت زیرا، کسی که با خودشناسی و صیانت از نفس واقعی، به خداشناسی رسیده باشد در رفتار خویش با سایر مخلوقات نیز از راهنمایی‌های نفس روحانی که ودیعه الهی است بهره می‌گیرد. در مقابل کسی که نفس واقعی خود را فراموش کند و نفس حیوانی را برای خود برگزیند، مانعی درونی برای محدود کردن رفتار در اختیار نخواهد داشت و لذا رفتار با طبیعت از تمایلات حیوانی وی پیروی می‌کند و طبیعت را جز ابزاری برای دستیابی به امیال و رفاه خویش نخواهد دید (سروستانی، شاه‌ولی، محقق داماد، ۱۳۸۶: ۶۸). برای توجه به

تفاوت دفاع از محیط زیست از منظر اسلامی و دفاع از محیط زیست از منظر مدرن توجه به جدول زیر مفید است.

جدول شماره ۷. مقایسه مبانی و هویت دفاع از محیط زیست از منظر هویت مدرن و اسلامی

کانون ارزش ذاتی	یگانگی بین انسان و طبیعت	مستولیت - پذیری نسبت به محیط زیست	ضمانت اجرایی	فراگیری	هویت
انسان محوری	انسان و طبیعت دو جوهره مجزا هستند	مسئولیت نسبت به طبیعت ناشی از مسئولیت نسبت به انسانها است	تا حدی که منافع انسان به خطر بی افتد	محدود به انسان	مدرن
زیست بوم محوری	انسان با زیست بوم مرتبط است	انسان نسبت به کل زیست بوم مسئول است	تا حدی که ثبات و انسجام زیست بوم به خطر بی افتد	محدود به اجزای تشکیل دهنده زیست بوم	مدرن
خدای محور ی	انسان با تمام مخلوقات خداوند مرتبط است	انسان نسبت به خداوند و مخلوقات او مسئولیت دارد	تا حدی که مخلوقات خداوند به خطر نامتناهی بی افتد	نامتناهی	اسلامی

برگرفته از: (سروستانی، شاه ولی، محقق داماد، ۱۳۸۶: ۶۸)

باتوجه به جدول فوق (۷) می توان گفت انقلاب اسلامی به عنوان انقلابی با هویتی اسلامی - انسانی در نگاه به محیط زیست دارای هویتی خاص و متمایز از جنبش های محیط زیستی مدرن است و منطبق با جهت گیری های فرهنگی خود دفاع از محیط زیست را معنادهی می کند (دفاع از محیط زیست در چارچوب ارزش های انسانی -

اسلامی) و به دنبال ابراز این هویت خاص خود در عرصه جهانی است لذا از حیث نظری می‌توان جنبش‌های محیط زیستی مبتنی بر اندیشه‌های اسلامی و یا به عبارتی دیگر «جنبش‌های محیط زیستی اسلامی» متصور شد که می‌توانند نسبتی هم‌افزا با جنبش‌های مدرن مدافع محیط زیست برقرار کنند و با ابراز هویت خاص خود به دنبال نقش‌آفرینی در عرصه تدبیر جهانی باشند. با این وجود از منظر هویتی جنبش‌های محیط زیستی می‌توانند زمینه‌ای مشترک برای پیوند جنبش‌های مدرن و جنبش‌های انسانی-اسلامی در عرصه جهانی باشند. آنچه می‌تواند به عنوان پلی، ارتباط هویتی این جنبش‌ها را برقرار کند موضوع «اخلاق محیط زیستی» است. در توضیح این موضوع می‌بایست گفت که برخی بر این باورند که بحران زیست محیطی در واقع یک بحران معنوی و دینی است (Motavalli, 2002: 2-11). با اهمیت یافتن تاثیر باورهای اخلاقی و ارزشهای مذهبی بر رفتار نسبت به دیگران و از جمله رابطه با سایر موجودات و گیاهان، تاکید بر این است که راه حل بحران‌های زیست محیطی در بازگشت مجدد به سنت ادیان جستجو شود (محقق داماد، ۱۳۸۰: ۷-۳۰). بر پایه همین دیدگاه گفتگوهای زیست محیطی بین ادیان شکل گرفته و چندین گردهمایی بین‌المللی نیز تشکیل شده است. در این نشست‌ها، حل بحران‌های زیست محیطی از طریق پیوند علم و دین مورد تأکید قرار گرفته است (امین‌زاده، ۱۳۸۱: ۹۷).

بر این اساس می‌توان گفت که هویت مدرن جنبش جهانی محیط زیست با هویت اسلامی-انسانی انقلاب ایران هرچند دارای تفاوت است اما در تضاد با یکدیگر نبوده بلکه همسو یکدیگر می‌باشد لذا ایران می‌تواند در عرصه تدبیر جهانی به جنبش‌های محیط زیستی توجه نماید و در تدوین سیاست‌های جهانی خود به هم‌افزایی با این جنبش‌ها بی‌اندیشد. به طور خاص ایران می‌تواند به همسویی و هم‌افزایی با محیط زیست‌گرایانی که مبتنی بر نگاه فرهنگی به عدالت محیط زیستی، رابطه انسان با محیط و نقد مدل تمدنی اقتصادگرا و تکنولوژیک توجه دارند، متمرکز شود. همچنین ایران برای نقش‌آفرینی در عرصه تدبیر جهانی می‌بایست زمینه مناسب برای شکل‌گیری و تقویت کنشگران و جنبش‌های محیط زیستی با هویت اسلامی را فراهم آورده و امکان کنشگری آنها را در عرصه جهانی فراهم نماید. به این ترتیب جنبش‌های محیط زیستی اسلامی

می‌توانند ضمن ابراز هویت خاص خود در عرصه جهانی با ایجاد هم‌افزایی با سایر جنبش‌های محیط زیستی دین‌باور، هم قدرت خود را در عرصه ابراز هویت افزایش دهند و هم با طرح نظرات خاص خود در عرصه جهانی به جلب توجه و یارگیری از مدرنیست‌های طرفدار محیط زیست بپردازند. به این ترتیب کنشگران همسو با رویکردهای انقلاب اسلامی ضمن حفظ و ابراز هویت خاص خود به تدریج هم توان نقش‌آفرینی، کنشگری و تأثیرگذاری در عرصه جهانی را خواهند یافت و هم از مواجهه منفعلانه به مواجهه و کنشگری فعال در سطح جهانی خواهند رسید.

۲-۵. سنجش تناسب و امکان تأثیرگذاری از منظر مولفه هدف

پس از پیروزی انقلاب اسلامی اهداف جهانی ایران به میزان قابل‌توجهی متأثر از اهداف جهانی این انقلاب بوده است. با توجه به کدگذاری و مقوله‌بندی صورت‌گرفته در مجموع می‌توان اهداف انقلاب ایران در عرصه جهانی را چنین برشمرد: تحقق عدالت، حمایت از مستضعفین جهان، حمایت از مظلومان جهان، حمایت از جنبش‌های آزادی بخش، مبارزه با مستکبرین و جهانخواران، صدور اسلام و انقلاب، زمینه‌سازی حکومت جهانی مستضعفین، حمایت از جنبش‌های مردمی و اسلامی. این اهداف را می‌توان در قالب هدف تغییر در مناسبات فردی و اجتماعی در عرصه جهانی بر پایه عدالت خلاصه نمود.

اهدافی مثل تحقق عدالت، حمایت از مستضعفین و مظلومان مبارزه با مستکبرین کاملاً با هویت انسانی انقلاب ایران منطبق بوده و اهدافی هستند که مبتنی بر فطرت مشترک بشری هستند. در این میان مفاهیمی چون صدور اسلام و زمینه‌سازی حکومت مهدوی و حمایت از جنبش‌های اسلامی بیشتر مبتنی بر اهداف درون دینی انقلاب هستند. به نظر می‌رسد که اهداف درون دینی انقلاب در عرصه جهانی را می‌بایست مبتنی بر «جهان‌شمولی اسلام» و «اصل دعوت» مورد بررسی قرار داد که می‌توان آن را مبنای دینی مفهوم «صدور انقلاب» و حتی جنبش‌سازی در عرصه جهانی و دعوت و تبلیغ جهانی اسلام دانست. در این میان مفهوم استضعاف هر چند مفهومی درون‌دینی است اما دارای دامنه‌ای جهانی و مبتنی بر فطرت مشترک انسانی است. مفاهیم مبارزه با

جهانخوران، حمایت از مظلومان و تحقق عدالت در عرصه جهانی نیز مفاهیمی هستند که هم‌اکنون از سوی برخی از جنبش‌های نوین اجتماعی در سطح بین‌المللی و در قالب مفاهیمی همچون مبارزه با «جهانی‌سازی» پی‌گیری می‌شوند.

بر این اساس هر چند هدف انقلاب اسلامی در عرصه جهانی بسیار وسیع‌تر از هدف جنبش‌های محیط زیستی (حفظ طبیعت و رعایت حقوق محیط زیست) است اما با این وجود می‌بایست گفت که می‌توان از منظری کلان هدف جنبش محیط زیستی را جزو اهداف انقلاب اسلامی در عرصه جهانی دانست. همانطور که در جدول (۶) نشان داده شده‌است در منظری کلان هدف انقلاب اسلامی تغییر در مناسبات فردی و اجتماعی در عرصه جهانی بر پایه عدالت است. از آنجا که به هم‌ریختگی تعادل زیست محیطی و عدم رابطه مناسب فرد و اجتماع با محیط زیست نیز یکی از این مناسبات ناعادلانه است لذا می‌توان برقراری عدالت و رعایت حقوق محیط زیست و حفظ طبیعت در عرصه جهانی را همسو با اهداف انقلاب اسلامی در عرصه جهانی دانست. علاوه بر ضرورت-هایی که از منظر اندیشه اسلامی و فقه محیط زیستی برای حفظ محیط زیست قابل طرح است نکته حایز اهمیت در این بحث طرح موضوع ضرورت حفظ محیط زیست در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به عنوان نظام برآمده از انقلاب اسلامی است. در اصل پنجاهم قانون اساسی آمده است که: «در جمهوری اسلامی، حفاظت محیط زیست که نسل امروز و نسل‌های بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی می‌گردد. از این رو فعالیت‌های اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیرقابل جبران آن ملازمه پیدا کند، ممنوع است». این هدف به صراحت هماهنگی انقلاب اسلامی با اهداف جنبش‌های محیط زیستی را بیان می‌کند.

بر این اساس می‌توان گفت که جنبش جهانی محیط زیستی و انقلاب اسلامی در سطح مولفه هدف با یکدیگر همسو هستند و می‌توانند در عرصه جهانی نسبتی هم‌افزا با یکدیگر برقرار کنند. لذا ایران می‌تواند با برجسته‌سازی دفاع از محیط زیست به عنوان یکی از اهداف جهانی خود به هم‌افزایی با این جنبش‌ها پرداخته و با حمایت از آنها توان تاثیرگذاری خود در عرصه تدبیر جهانی را بی‌افزاید. در این راستا ضروری است که ایران سیاست‌های جهانی خود را به گونه‌ای تنظیم نماید که در سطح جهانی به عنوان

کشوری مدافع محیط زیست مطرح گردد. در این راستا ایران می‌بایست در سیاست جهانی خود سطح «جبهه مقاومت» را که براساس اهداف انقلاب اسلامی ترسیم نموده، به جبهه‌ای که کنشگران مدافع محیط زیست در سطح جهانی را نیز شامل شود گسترش دهد. به این ترتیب کنشگرانی که در برابر عوامل مخرب محیط زیست دست به مقاومت می‌زنند در دایره «جبهه جهانی مقاومت» قرار گرفته و این امر باعث خواهد شد این جبهه سطح گسترده‌تری از کنشگران را شامل شده و توان تأثیرگذاری آن در عرصه تدبیر جهانی افزوده گردد.

۳-۵. سنجش تناسب و امکان تأثیرگذاری از منظر مولفه رقیب

با توجه به جدول (۶) می‌توان رقبای انقلاب اسلامی در عرصه جهانی را چنین بر شمرد: مستکبران، امپریالیسم، نظام سلطه و سرمایه‌داری جهانی. از میان این رقبای مبارزه با جهان‌خواران بین‌المللی یا امپریالیسم جهانی، سرمایه‌داری جهانی در قالب مبارزه با سرمایه‌داری و جهانی‌سازی هم اکنون از سوی برخی از جنبش‌های نوین اجتماعی پی‌گیری می‌شود. در این میان استکبار و مستکبرین به عنوان رقیبی که انقلاب اسلامی به دنبال مخالفت با آن در عرصه جهانی هست مفهومی درون دینی بوده اما دارای دامنه و مقبولیت جهانی است و با مفاهیم مقابله با نظام سرمایه‌داری، امپریالیسم و جهانی‌سازی همپوشانی دارد. اما با وجود این باید توجه داشت که مفهوم استکبار فراتر از امپریالیسم و یا نظام سلطه جهانی است.

از سویی دیگر جنبش جهانی محیط زیست خود را در رقابت با توسعه نافی حقوق محیط زیست و به عبارتی توسعه کنترل‌نشده و مخرب محیط زیست و نهادها و قوانینی که این مسیر را هموار می‌کنند تعریف می‌کند. اگر رقبای کلان انقلاب اسلامی در عرصه جهانی را در عرصه محیط زیست بازخوانی نماییم، می‌توان گفت که انقلاب اسلامی با مستکبران، امپریالیسم و سرمایه‌داری جهانی که برای کسب و حفظ قدرت اقتصادی، نظامی و... به تخریب محیط زیست پرداخته‌اند مخالفت می‌نماید. به عبارتی دیگر توسعه مخرب محیط زیست که جنبش‌های محیط زیستی با آن مخالفت می‌کنند همان توسعه‌ای است که توسط سرمایه‌داری جهانی و نظام سلطه جهانی مورد بهره‌برداری قرار گرفته-

است. چرا که مناسبات سرمایه‌داری مکانیسمی را خلق می‌کند که سرمایه‌دار معترف به ضرورت حفظ محیط زیست نمی‌تواند از تلاش برای کسب سود حداکثر که در بسیاری از موارد با تخریب محیط زیست همراه است دست بردارد زیرا در غیر این صورت در طی مدت کوتاهی توسط رقبای خود از عرصه حذف می‌شود. از نمونه‌های این مدعا می‌توان به نقش مخرب شرکت‌ها و تراست‌های بزرگ نفتی غربی در فجایع محیط زیستی و عدم توجه و خروج دولت آمریکا از معاهدات محیط زیستی همچون «معاهده پاریس» اشاره کرد. با این وجود به نظر می‌رسد سطح رقیبی که انقلاب اسلامی برای خود مطرح می‌کند فراتر از سطح رقیب جنبش‌های محیط زیستی است. این اختلاف سطح را می‌توان به خوبی در مفهوم استکبار به عنوان رقیب جدی که انقلاب اسلامی در عرصه جهانی برای خود قایل است ملاحظه کرد.

در مجموع می‌توان گفت که رقبای جهانی انقلاب اسلامی و رقبای جنبش محیط زیست هرچند اختلاف سطح دارند ولی با یکدیگر همپوشانی نیز دارند و می‌توانند با یکدیگر همسو شده و در عرصه جهانی نسبتی هم‌افزا با یکدیگر برقرار نمایند. این نکته حایز اهمیت است که در وضعیت کنونی هرچند جنبش‌های محیط زیست در برابر سیاستها، قواعد و عملکردهای مخرب محیط زیست به مقاومت دست می‌زنند اما رقابت آشکاری با نظام سرمایه‌داری به عنوان منشاء اصلی تخریب محیط زیست در عرصه جهانی از خود نشان نمی‌دهند و حتی بعضاً توسط نظام سرمایه‌داری مورد بهره‌برداری نیز قرار گرفته‌اند. لذا به نظر می‌رسد روند این همسویی و هم‌افزایی نیازمند گذشت زمان و فعال‌شدن جنبش‌های محیط زیستی با غلظت ضد سرمایه‌داری بیشتر است. با این وجود به نظر می‌رسد توجه و همسویی با جنبش‌های محیط زیستی به عنوان منادیان اصلی مقاومت در برابر سیاستها و... مخرب محیط زیستی برای حفظ و برجسته‌سازی مقاومت جهانی علیه سرمایه‌داری و تعمیق فرهنگ حفظ و صیانت از محیط زیست در عرصه جهانی مفید و مطلوب باشد. لذا ایران می‌تواند در عرصه تدبیر جهانی به جنبش‌های محیط زیستی توجه نماید و در تدوین سیاست‌های جهانی خود به هم‌افزایی با این

۱. برای مطالعه بیشتر رجوع شود به کتاب: بارنز، جک، واترز آلپس و کلارک، استیو، (۱۳۹۰)، سرمایه‌داری و تخریب محیط زیست، مترجم: حامد صدیقی، نشر طلایه پرسو.

جنبشها بی‌اندیشد. در این راستا ضروری است که به دنبال هم‌افزایی بیشتر با آن دسته از جنبش‌های محیط زیستی جهانی که به‌صورتی صریح‌تر و آشکارتر در رقابت با نظام سرمایه‌داری و سلطه جهانی قرار دارند باشد.

نتیجه‌گیری

باتوجه به اهمیت روز افزون نقش جنبش‌های اجتماعی در عرصه تدبیر جهانی این مقاله به دنبال بررسی زمینه‌هایی که جنبش‌های محیط زیستی به مثابه یکی از جنبش‌های فعال در سطح جهانی برای حضور ایران (به ویژه کنشگران ایرانی معتقد به رویکردهای انقلاب اسلامی) در عرصه تدبیر جهانی فراهم می‌کند به سنجش نسبت مؤلفه‌های جنبش‌ساز انقلاب اسلامی با مؤلفه‌های جنبش محیط زیستی برآمد. بر اساس یافته‌ها می‌توان گفت که از منظر مؤلفه هویت، هویت جنبش‌های محیط زیست با هویت اسلامی و انقلابی ایران هرچند دارای تفات هستند اما نه تنها در تضاد با یکدیگر نیستند بلکه دارای همسویی نیز می‌باشد. از سویی دیگر مبتنی بر جهتگیری‌های خاص انقلاب اسلامی می‌توان شکل‌گیری جنبش‌های محیط زیستی خاصی را متصور شد، این جنبشها می‌توانند با هویت انسانی - اسلامی خود به دفاع از محیط زیست پرداخته و با حضور در عرصه جهانی به ابراز این هویت بپردازند. به این ترتیب محیط زیست‌گرایان ایرانی و جنبش‌های محیط زیستی اسلامی می‌توانند ضمن ابراز هویت خاص خود در عرصه جهانی با ایجاد هم‌افزایی با سایر جنبش‌های محیط زیستی دین‌باور، فرهنگ‌گرا و ناقد مدل تمدنی اقتصادگرا، هم قدرت خود را در عرصه ابراز هویت افزایش دهند و هم با طرح نظرات خاص خود در عرصه جهانی به جلب توجه و یارگیری از مدرنیست‌های طرفدار محیط زیست پرداخته و توان تاثیرگذاری خود در عرصه تدبیر جهانی را بیافزایند. از منظر مؤلفه رقیب، رقبای جهانی انقلاب اسلامی و رقبای جنبش محیط زیست هرچند اختلاف سطح دارند ولی با یکدیگر همپوشانی نیز دارند و می‌توانند با یکدیگر همسو شده و در عرصه جهانی نسبتی هم‌افزا با یکدیگر برقرار نمایند. روند این همسویی و هم‌افزایی نیازمند گذشت زمان و فعال‌شدن جنبش‌های محیط زیستی با غلظت ضد سرمایه‌داری بیشتر است. با این وجود به نظر می‌رسد توجه و همسویی با



جنبش‌های محیط زیستی به عنوان منادیان اصلی مقاومت در برابر سیاست‌ها و... مخرب محیط زیستی برای حفظ و برجسته‌سازی مقاومت جهانی علیه سرمایه‌داری و تعمیق فرهنگ حفظ و صیانت از محیط زیست در عرصه جهانی مفید و مطلوب باشد. از منظر مولفه هدف، اهداف انقلاب اسلامی در بعد محیط زیست با اهداف جنبش‌های محیط زیستی به ویژه با محیط زیست‌گرایان ناقد مدل تمدنی اقتصادگرا کاملاً همسو هستند و می‌توانند در عرصه جهانی نسبتی هم‌افزا با یکدیگر برقرار کنند. بر این اساس در مجموع می‌توان گفت که فرضیه تحقیق درست بوده و نه تنها مولفه‌های جنبش‌ساز انقلاب اسلامی در عرصه جهانی در تضاد با جنبش‌های محیط زیستی قرار ندارد بلکه زمینه همسویی میان آنها وجود دارد لذا ایران می‌تواند برای پی‌گیری سیاست جهانی خود و تأثیرگذاری در عرصه تدبیر جهانی به دنبال هم‌افزایی با جنبش‌های محیط زیستی در عرصه جهانی باشد.

در این راستا ضروری است که ایران سیاست‌های جهانی خود را به گونه‌ای تنظیم نماید که در سطح جهانی به عنوان کشوری که مدافع محیط زیست است مطرح گردد. بعلاوه ایران می‌بایست به حمایت از کنشگران و جنبش‌هایی که در سطح جهانی به دنبال حفظ و رعایت حقوق محیط زیست هستند پردازد. در این راستا ایران می‌بایست در سیاست جهانی خود سطح «جبهه مقاومت» را که بر اساس اهداف انقلاب اسلامی ترسیم نموده، به جبهه‌ای که مدافعان محیط زیست در سطح جهانی را نیز شامل می‌شود گسترش دهد. بدین منظور ایران از یک سو می‌بایست به تقویت جنبش‌های محیط زیستی با هویت اسلامی همت گمارد و از سویی دیگر می‌بایست برای حضور مؤثر کنشگران این جنبش در عرصه جهانی زمینه‌های مساعدی را فراهم نماید. بدین ترتیب کنشگران ایرانی می‌توانند با حضور در نشست‌ها و مجامع جهانی مدافعان محیط زیست از آن به عنوان فرصتی برای شنیده‌شدن صدای خود، شناساندن خود، همکاری با جنبش‌های همسو و ایجاد اعتمادی متقابل استفاده کنند. از لوازم چنین امری رفع موانع پیش‌روی شکل‌گیری و فعالیت جنبش‌های محیط زیستی در ایران و همچنین فراهم‌آوردن شرایط برای فعالیت‌های آنها در عرصه جهانی است.

به این ترتیب در مجموع به نظر می‌رسد که ایران می‌تواند از بستر جنبش‌های محیط زیستی برای حضور مؤثر در عرصه تدبیر جهانی استفاده نماید. مزیت این بهره‌مندی آن است که فراتر از سطح نهادهای رسمی و دولتی به جامعه و کنشگرانی ایرانی این امکان را می‌دهد که به دور از محدودیت‌های رسمی به نقش‌آفرینی در عرصه تدبیر جهانی بپردازند. بدین منظور بر سیاست‌گذاران است که در تدوین سیاست‌های جهانی ایران به ظرفیت و نقش جنبش‌های نوین اجتماعی همچون جنبش‌های محیط زیستی توجه نموده و زمینه را برای حضور جهانی کنشگران ایرانی فراهم نمایند.

منابع

- امام خمینی (بی‌تا)، نرم‌افزار صحیفه امام، نسخه ۳، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- امین‌زاده، بهناز (۱۳۸۱)، «جهان‌بینی دینی و محیط زیست: درآمدی بر نگرش اسلام به طبیعت»، محیط‌شناسی، سال ۲۸، شماره ۳۰.
- بارنز، جک، واتزرآلیس و کلارک، استیو (۱۳۹۰)، سرمایه‌داری و تخریب محیط زیست، مترجم: حامد صدیقی، نشر طلایه پرسو.
- پیرعباسی، یحیی؛ رهامی، روح‌الله و بیاتی، محمدحسین (۱۳۹۸)، «تحول سیاست امنیتی جمهوری اسلامی ایران در حقوق حوزه محیط زیست»، رساله دکتری، دانشگاه عدالت.
- تورن، آلن (۱۳۹۶)، پارادایم جدید، ترجمه سلمان صادقی‌زاده، انتشارات علمی و فرهنگی.
- تورن، آلن (۱۳۸۶)، مقدمه‌ای بر مطالعه جنبش‌های اجتماعی، ترجمه علی حاجیلی، در کتاب فهم و مطالعه جنبش‌های اجتماعی جدید، انتشارات جامعه و فرهنگ.
- جمالی، حمیدرضا (۱۳۸۹)، «محیط زیست بین‌المللی و میراث مشترک بشریت»، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، شماره ۴.
- جمشیدی، مهدی (۱۳۹۰)، بنیادهای اجتماعی وقوع انقلاب اسلامی در نظریه علامه مرتضی مطهری، دانشگاه امام صادق (ع).

دلپورتا، دوناتلا، دیانی، ماریو (۱۳۹۰)، *مقدمه‌ای بر جنبش‌های اجتماعی*، ترجمه: محمدتقی دلفروز، نشر کویر.

رودگر، محمدجواد (۱۳۸۴)، *فیلسوف فطرت*، قم: انتشارات وثوق.

سیف‌زاده، سیدحسین (۱۳۸۴)، *نظریه‌ها و تئوریهای مختلف در روابط بین‌الملل فردی-جهانی شده: مناسبت و کارآمدی*، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

صالحی، صادق، حمایت‌خواه جهرمی، مجتبی (۱۳۹۳)، «مقایسه تحلیلی ارزشهای زیست-محیطی جهان اسلام و غرب؛ تحلیل ثانویه داده‌های پیمایش ارزشهای جهان (WVS)»، *فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، شماره ۳.

طاهرپور، محمدشریف؛ جاویدی، طاهره؛ باقری، خسرو و نقی‌زاده، حسن (۱۳۹۵)، «مبانی، اصول و روشهای تربیت شهروند زیست‌محیطی از دیدگاه اسلام»، *فصلنامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی*، شماره ۳۰.

عابدی سروستانی، احمد؛ شاه‌ولی، منصور و محقق‌داماد، سیدمصطفی (۱۳۸۶)، «ماهیت و دیدگاه‌های اخلاق زیست‌محیطی با تاکید بر دیدگاه اسلامی»، *فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری*، سال دوم، شماره‌های ۱ و ۲.

عبادی، اعظم؛ فاضلی، محمد؛ حاضری، محمدعلی، عبادی (۱۳۹۷)، «سیاست انقلاب و محیط‌زیست»، رساله دکتری، پژوهشکده امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی.

قدیر، محسن (۱۳۹۴)، «حق بر محیط زیست از منظر حقوق بشر بین‌المللی و اسلام»، *فصلنامه حقوق اسلام و غرب*، سال دوم، شماره دوم.

کاستلز، مانوئل (۱۳۸۹)، *عصر اطلاعات (۲): اقتصاد، جامعه و فرهنگ: قدرت هویت*، ترجمه: احد علیقلیان و افشین خاکباز، نشر طرح نو.

کاستلز، مانوئل؛ اینس، مارتین (۱۳۸۴)، *گفتگوهای با مانوئل کاستلز*، ترجمه حسن چاوشیان و لیلا جوافشانی، نشر نی.

کوهن، جین و دیگران (۱۳۸۶)، *فهم و مطالعه جنبش‌های اجتماعی جدید*، ترجمه علی حاجلی، انتشارات جامعه فرهنگ.

لسانی، سید بهزاد؛ مشهدی، علی و حبیب‌نژاد، سیداحمد (۱۳۹۵)، «نسبت محیط زیست، دولت و شهروندی، رویکرد تقنینی نظام جمهوری اسلامی ایران»، رساله دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم.

محقق‌داماد، سیدمصطفی (۱۳۸۰). «الهیات محیط زیست»، نامه فرهنگستان علوم، سال ۶، شماره ۱۷.

مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۱)، *درآمدی نظری بر جنبش‌های اجتماعی*، پژوهشکده امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی.

مشیرزاده، حمیرا؛ هاشمی، سیده‌فاطمه (۱۳۹۲)، «نقش جنبش‌های فراملی در تدبیر جهانی امور زیست محیطی»، *فصلنامه سیاست*، دوره ۴۳، شماره ۱.

مصباح، محمدتقی (۱۳۸۰)، *آموزش عقاید*، جلد پنجم، تهران: بین‌الملل. مطهری، مرتضی (۱۳۷۴)، *فلسفه تاریخ*، جلد ۴، صدرا.

مطهری، مرتضی (۱۳۸۵)، *یادداشت‌های استاد مطهری*، جلد دهم، صدرا. مطهری، مرتضی (۱۳۸۷)، *آینده انقلاب اسلامی ایران*، صدرا.

نقوی، سیدحسین (۱۳۸۶)، «جنبش‌های اجتماعی جدید در عصر جهانی شدن و تاثیر آن بر توسعه سیاسی در ایران»، *دانشنامه حقوق و سیاست*، شماره ۷.

یعقوبی، ابوالقاسم (۱۳۸۰)، «اسلام و محیط زیست»، *فصلنامه حوزه*، شماره ۱۰۵ و ۱۰۶.

Barry, John (2007), *Environment and Social Theory*, Second Edition. London and New York: Routledge.

Bishop, Steve (1991), "Green Theology and Deep Ecology: New age or New Creation?", *Themelios*, 16(3), 8_14. http://theologicalstudies.org.uk/pdf/ecology_bishop.pdf.

Bratich, Jack (2013), "Occupy All the Dispositifs: Memes, Media Ecologies, and Emergent Bodies Politic, Communication and Critical", *Cultural Studies*, 2013, 1-10.

Clarke, John N. and Edwards, Geoffrey R. (2004) "Introduction." In *Global Governance in the Twenty-First Century*, Edited by John N. Clarke and Geoffrey R. Edwards, pp. 120. Houndmills and New York: Palgrave Macmillan

Cohen, Robert & Rai, Shirin M (2000), *Global Social Movements*, Athlone Press.

- Dan Berger, Peter Funke and Todd Wolfson (2011), "Communications Networks, Movements and The Neoliberal City: The Media Mobilizing Project in Philadelphia", *Transforming Anthropology*, Vol. 19, Number 2, pp.187-201.
- Doyle, Timothy (2005), *Environmental Movements in Majority Worlds a Global Perspective*. New Brunswick, New Jersey, and London: Rutgers University Press.
- Esty, Daniel C & Mendelsohn, Robert (1998), "Moving from National to International Environmental Policy". *Policy Sciences*, 31.
- Eyerman, Ron & Jamison, Andrew (1989), "Environmental Knowledge as an Organizational Weapon: The Case of Greenpeace", *Social Science Information* (SAGE, London, Newbury Park and New Dehly), 28,2, pp.99-119.
- Foer ND, our Vision and Mission. Available at <http://www.foei.org/about-foei/mision-and-vision>
- Giugni, M. and Grasso, M.T (2015), "Environmental Movements: Heterogeneity, Transformation, and Institutionalization." *Annual Review of Environment and Resources* Greenpeace (2019), <https://www.greenpeace.org/international/explore/about/>
- Motavalli J (2002), "Stewards of the Earth", *The Environmental Magazine*, 13(6).
- Rootes, Christopher (1999), *Environmental Movements, Local, National and Global*, Routledge.
- Scholte, Jan.A art (2000) *Globalization: A Critical Introduction*. New York: Palgrave, Macmillan.
- Touraine, A (1981), *The Voice and the Eye: An Analysis of Social Movements*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Touraine, A (1985), "An Introduction to the Study of Social Movements". *Social Research*, Vol. 52, No.4, Social Movements (WINTER 1985), pp.749-787.
- WWF (2001), WWF Annual Report 2001(40 years conservation achievement). Available at <http://d2ouvy59p0dg6k.cloudfront.net/downloads/wwf01rapportang.pdf>
- Zurn, Michael (2004), *Global Governance and Legitimacy Problems. Government and Opposition* 39 (2): 260-87.